

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بر اساس آیات قرآن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله)

محمدصادق یوسفی مقدم*

تأیید: ۱۴۰۰/۷/۷

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۱

چکیده

متکلمان امامت را مانند نبوت لطف الهی و فلسفه وجودی امام را اكمال نفوس، صیانت از دین و هدایت مردم و... دانسته و آیات قرآن نیز بر آن لطف تعطیل‌ناپذیر الهی دلالت دارد. به طور قطع این لطف الهی با تشکیل جامعه توحیدی که از هر گونه کفر، نفاق و فسق پاک باشد، تنها با ظهور موعود الهی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) شکل می‌گیرد. سؤال این است که تشکیل حکومت اسلامی اختصاص به حضور امام معصوم دارد یا آن که امت اسلام در عصر غیبت نیز موظف به تشکیل آن است؟ مفاد آیات قرآن این است که تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام الهی و عدالت، تعطیل‌ناپذیر است و اختصاص به حضور امام معصوم ندارد. افزون بر آن، حکومت اسلامی در دوران غیبت در حرکتی تکاملی به تحقق وعده الهی و ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) کمک می‌کند. این مقاله با روش تحلیلی قرآنی و با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری ثابت کرده که حکومت اسلامی در عصر غیبت، افزون بر انطباق با لطف و فطرت الهی، جامعه را در مسیر کمال مطلوب و سعادت قرار داده و با حرکت تکاملی تدریجی، زمینه را برای ظهور منجی بشریت فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی

حکومت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، عصر غیبت، آیه‌الله خامنه‌ای

* دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

y_moqaddam@yahoo.com

مقدمه

خداوند در فطرت آدمی عشق به کمال و عدالت را سرشته و به جهت آن که امور فطری تخلف ناپذیرند، انسان همواره در پی دست‌یابی به آن بوده و خواهد بود. پیامبران الهی و امامان معصوم : در جهت تحقق آن امور فطری در حد قابلیت جامعه مخاطب خود کوشیده‌اند. اما از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که هدایت و تربیت انسان به صورت جامع و اجرای عدل الهی به طور کامل، تنها در دوران ظهور مهدی موعود 7 عملی خواهد شد. چنان‌که شهید مطهری می‌گوید پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل، در دوران حکومت حضرت مهدی تحقق می‌یابد. بر اساس نظر ایشان، ریشه این دیدگاه قرآنی است؛ زیرا این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه(۹): ۳۳ و صف(۶۱): ۹)، غلبه قطعی صالحان و متقیان «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء(۲۱): ۱۰۵)، کوتاه‌شدن دست ستم‌کاران و جباران برای همیشه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَتَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (قصص(۲۸): ۵-۶) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف(۷): ۱۲۸) را نوید داده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۴۰۶).

هر چند حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) از امداد ویژه الهی برخوردار است (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۴-۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۶ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸۳-۱۸۲)، ولی با توجه به جریان امور بر اساس نظام علیت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۰۳) و سببیت (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۱۱۹)، تحقق

این آرمان متعالی نیازمند برداشت صحیح از انتظار و دمیدن روح امید و پویایی از یک سو و خودسازی و مسؤولیت‌پذیری جامعه اسلامی از سوی دیگر است. چنان‌که از آیاتی که بر ظهور آن عدالت‌گستر جهان دلالت دارد، استفاده می‌شود که مسلمانان مهدویت را تنها یک آرمان نبینند، بلکه باید با تشکیل حکومت اسلامی آمادگی لازم را در خود ایجاد کنند.

از منظر حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) جامعه اسلامی مکلف است با جامعه‌سازی و تشکیل حکومت اسلامی، مقدمات ظهور را فراهم سازد. چنان‌که می‌فرماید: «برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداء) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). هم‌چنین می‌فرماید:

در روایات، «و الله لتمعّصن» و «و الله لتغربلن» است، به شدت امتحان می‌شوید، فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند، در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداء) روزه‌روز نزدیک‌تر می‌شود... ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداء) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواحنا فداء) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید، ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداء) و (عجل الله فرجه)، به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است (همان).

این مقاله به اثبات این نظریه پرداخته است که از نگاه قرآن کریم، مسلمانان در همه زمان‌ها مکلف به تشکیل حکومت اسلامی هستند تا افزون بر جامعه‌سازی و اجرای عدالت، زمینه را برای ظهور موعود الهی فراهم سازند.

دلایل قرآنی تشکیل حکومت اسلامی در همه اعصار

اکنون دلایل نظریه لزوم اقامه حکومت اسلامی در همه اعصار، با هدف اجرای احکام الهی در جامعه و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی 7 را ارائه و بررسی می‌کنیم.

تعطیل‌ناپذیری لطف الهی

متکلمان امامیه نبوت را لطف الهی بر جامعه بشری می‌دانند و برای وجوب نصب امام و رهبری جامعه مانند نبوت، به قاعده لطف استناد کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۲ق، ص ۹۶ و علامه حلی، ۱۳۶۵، ص ۱۰). از منظر برخی، فلسفه وجودی امام، به عنوان مقام جانشین پیامبر و بر اساس مقتضای حکمت الهی، تربیت و کمال‌بخشیدن به نفوس بشری، رساندن و ترویج احکام شرعی، اقامه حدود الهی، پاسداری و صیانت از دین اسلام و هدایت مردم است (ابن عطیه، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۱۲). آیات قرآن کریم نیز بر جریان همیشگی و تعطیل‌ناپذیری لطف الهی در موضوع رهبری و امامت جامعه دلالت دارد. چنان‌که آیه ۱۲۴ از سوره بقره «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» دلالت دارد بر این‌که امامت لطفی الهی بر همه مردم و به صورت مطلق است؛ زیرا کلمه «للناس» متعلق است به «جاعلک» و اشاره دارد به دائمی بودن امتنان و لطف خدا بر جمیع انسان‌ها در هر زمان و مکانی (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۲۴ و انصاریان، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۲۶). بر اساس مفاد آیه یادشده، رهبری الهی به نیابت از پیامبر اکرم 9 در امور دین و دنیا لطفی الهی است که همواره باید در جامعه جریان داشته باشد تا مردم از امام حاکم اطاعت کرده و او بتواند احکام الهی را اجرا و حق مظلوم را از ظالم ستانده و ستم‌گران را از ظلم و ستم باز دارد و مردم را به آنچه صلاح آنان است، راهنمایی کند و این دلیل است بر

این که حکومت اسلامی امری مستمر است و باید هم‌چنان تا ظهور حضرت مهدی 7 جریان داشته باشد. هر چند لطف خدا که عبارت است از هر کاری که بندگان را به طاعت خدا نزدیک و از هر نوع معصیت خدا دور سازد (علامه حلی، ۱۳۶۵، ص ۱۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۰ و سید رضی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷)، به صورت عمومی و جهانی تنها در حکومت حضرت مهدی 7 محقق می‌شود. چنان‌که حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز حضرت مهدی 7 را مصداق لطف خدا بر همه انسان‌ها دانسته و می‌گوید: «او وعده الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). تحقق لطف فراگیر الهی به صورت کامل در ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای سلب مسئولیت از جامعه اسلامی در تشکیل حکومت اسلامی نیست. زیرا امامت حق لطفی است که بر اساس مفاد آیه یادشده تعطیل‌بردار نیست.

حکومت اسلامی مانند دین فطری

بر اساس آیات قرآن کریم، پیامبر 9 و همه پیروان آن حضرت به دین اسلام که مبتنی بر فطرت است، فراخوانده شده‌اند. دینی که سنت حیات و روش سعادت‌مندشدن را در همه عصرها و نسل‌ها به انسان می‌آموزد و او را به سوی آن هدف ایده‌آل هدایت می‌کند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم (۳۰): ۳۰)؛ پس روی خود به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست، اقامه کن؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن آفریده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۷۹-۱۷۸). ایمان آوردن به دین حنیف و فطرت الهی زمانی محقق می‌شود که انسان به حاکمیت الهی تن داده و تسلیم آن باشد. چنان‌که خداوند متعال در آیه ۶۵ نساء، پس از آن‌که به پروردگار سوگند یاد می‌کند، خطاب به پیامبر 9 می‌فرماید: این‌طور که منافقین پنداشته‌اند نیست، (ایمان‌شان واقعی نیست)، مگر وقتی که تو را در مشاجراتی که برای‌شان پیش می‌آید، حکم قرار دهند و در دل خود از هر حکمی که رانندی، احساس آزرده‌گی نکنند و حکم تو را بدون چون و چرا بپذیرند. «فَلَا

وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». آیات یادشده بیان‌گر آن است که:

۱. ابتدای شخصیت انسان بر فطرت الهی به گونه‌ای است که هر گونه تغییری در شرایط محیطی و جغرافیایی در طول عمر انسان رخ دهد، در ثبات شخصیت فطری که در نهان وجود او قرار داده شده و انسان را به خدای یگانه هدایت می‌کند، تغییری ایجاد نمی‌کند: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ». این شخصیت فطری قادر است حجاب‌های ظلمت را از عقل و گمراهی‌ها را از وجدان بر طرف کند تا ایمان خالص در او بدرخشد و او را پاک کند. از این‌رو، فطرت تنها ضامن همیشگی ایمان به خدای یگانه است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۳۰-۱۲۹).

۲. چنان‌که اصل دین فطری است، حکومت اسلامی نیز بر ایمان به دین فطری مبتنا دارد: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ...» و کارکردهای آن افزون بر رفع خصومت و ایجاد امنیت در جامعه، بر اساس (آیات ۴۲ تا ۵۰ سوره مائده) اجرای قسط، تقید به اجرای احکام الهی و پرهیز از پذیرش حاکمیت بیگانگان و رساندن هر فردی از افراد جامعه به کمال لایق اوست.

۳. چنان‌که فطرت الهی امری است که شامل همه انسان‌ها در هر عصر و مکانی می‌شود، دین فطری زمان و مکان خاصی ندارد و در نتیجه حکومت اسلامی مبتنی بر آن نیز در تعمیم و شمول، حکم فطرت و دین فطری را پیدا می‌کند. به این معنا که در هر زمانی ایمان واقعی آن‌گاه عینیت می‌یابد که جامعه و دولت اسلامی شکل پیدا کند. این بیان‌گر آن است که جامعه اسلامی همواره باید در پی تشکیل حکومت اسلامی باشد. بر این اساس، نباید چنین پنداشت که حکومت اسلامی تنها در دوره ظهور حضرت مهدی تحقق می‌یابد. از این‌رو، بیان برخی که در فطری بودن مهدویت می‌نویسد:

با تمام اختلاف‌هایی که در میان ملت‌ها و امت‌ها در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشق‌ها و علاقه‌ها، خواسته‌ها و مکتب‌ها وجود دارد، همه بدون استثنا سخت به صلح و عدالت علاقه‌مندند، همه جا عمومیت خواسته‌ها دلیل فطری بودن آن‌هاست... آیا همیشه تشنگی ما دلیل بر این نیست که آبی

در طبیعت وجود دارد و اگر آب وجود خارجی نداشته باشد، آیا ممکن است عطش و عشق و علاقه به آن در درون موجود باشد؟ ما می‌خورشیم، فریاد می‌زنیم و عدالت و صلح می‌طلبیم، این نشانه آن است که سرانجام این خواسته، تحقق می‌پذیرد و در جهان پیاده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۵۰)، به معنای انحصار حکومت اسلامی در دوره ظهور نیست، بلکه مرحله ایده‌آل و جهان‌شمولی حاکمیت دین الهی در عصر ظهور محقق می‌شود. روشن است که ایمان به مهدویت و علاقه به تحقق آموزه‌های آن در نهان همه انسان‌ها سرشته شده است و البته مسیر تحقق آن، تشکیل حکومت اسلامی است که با تبعیت از امام و حاکم مشروع اسلامی در فرایندی تدریجی و تکاملی، به ظهور حجت خدا حضرت مهدی 7 و تحقق آن آموزه‌ها خواهد انجامید.

ضرورت اقامه عدالت الهی در همه زمان‌ها

عدالت در اندیشه و حاکمیت اسلامی از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که خداوند یکی از اهداف مهم و نهایی انبیای الهی را اقامه قسط و عدل دانسته و در آیه ۲۵ سوره حدید فرموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان (یعنی قوانین عادلانه را که بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند)، نازل نمودیم تا مردم به عدالت قیام کنند. آیه‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌گویند:

آنچه مسلم است، همه پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسان‌ها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است، لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳).

و البته از منظر قرآن کریم اجرای عدالت مانند تشکیل حکومت وظیفه همیشگی و تعطیل ناپذیر جامعه اسلامی است؛ چنان که خداوند در آیه ۲۹ سوره اعراف به صورت عام اقامه قسط و عدل را وظیفه‌ای تعطیل ناپذیر برای عموم مردم دانسته است: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» و در سوره نساء آیه ۱۳۵، خطاب به مؤمنان از آنان می‌خواهد که عدالت را بپا دارند و بر آن تحفظ کرده و طبق رضای خدا شهادت دهند؛ هر چند به ضرر خودشان یا پدر و مادرشان و یا خویشاوندان‌شان باشد و از آنان می‌خواهد که در اجرای عدالت هیچ‌گونه انعطافی نداشته باشند و عواملی مانند هوای نفس و طمع به ثروت توان‌گران و یا عاطفه و دل‌سوزی در حق فقیران که خدا به آنان مهربان‌تر است، آنان را به عدول از مسیر عدالت و ادار نسازد و بدانند که خدا به آن‌چه می‌دهند آگاه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۸). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» و در آیه ۸ سوره مائده با همان تأکید از مؤمنان اجرای عدالت را مطالبه کرده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» و به آنان هشدار می‌دهد که از نظر اسلام عدالت چنان آرمان مقدس و با ارزشی است که در باره دشمنان نیز باید رعایت شود و اجرای آن را در باره دشمنان دلیل تقوا دانسته است: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ». از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که اجرای عدالت تکلیفی همیشگی و تعطیل ناپذیر است و مسلمانان در هر عصر و زمانی موظف‌اند آن را اجرا کنند. بدیهی است اجرای عدل الهی تنها در ساختار حکومت اسلامی امکان‌پذیر است. هر چند بر اساس روایات، کمال عدل الهی در دوران حاکمیت حضرت مهدی ۷ ظهور خواهد کرد، اما باید میان اصل تکلیف، اجرای عدالت به عنوان تکلیفی الهی در همه زمان‌ها به اندازه مقدر و اجرای عدالت به صورت فراگیر در همه مناطق جغرافیایی عالم که در حکومت حضرت مهدی ۷ محقق می‌شود، تفکیک قائل شد. چنان‌که علی ۷ پس از بیان این مطلب که با هدایت‌های حضرت مهدی ۷، مردم از خواسته‌های نفسانی خود به هدایت الهی روی

می‌آورند و قرآن را میزان سنجش آرا قرار می‌دهند، «يعطف الهوى على الهدى إذا عطفوا الهدى على الهوى ويعطف الرأى على القرآن إذا عطفوا القرآن على الرأى...» (بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۶۸)، می‌فرماید: در آن وقت او به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی یعنی چه و او آن‌چه از کتاب خدا و سنت پیامبر ۹، بر زمین مانده است را زنده خواهد کرد «فيريكم كيف عدل السيرة ويحيي ميّت الكتاب والسنة» (همان). باید توجه داشت که امیر المؤمنین علی 7 که تحقق عدالت کامل الهی و احیای کتاب خدا و سنت پیامبر ۹ را در حکومت حضرت می‌داند و مردم را به آمدن آن نوید می‌دهد، خود به اقامه حکومت و اجرای قسط پرداخته و همگان را به اجرای عدالت فرخوانده است.

بر اساس دیدگاه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای:

۱. درست است که عدالت اساسی‌ترین هدف و برحسته‌ترین شعار حکومت مهدوی است، اما قبل از ظهور نیز دوران تلاش برای تحقق عدالت و راه رسیدن به آن هدف متعالی است. توضیح این‌که ایشان با بیان این‌که به اندازه‌ای که روی عدالت تأکید شده است، روی دیگر اهداف اسلامی تأکید نشده است، می‌گویند:

بدیهی است که در یک نظام اسلامی و دینی، همه مردم بایستی به سمت دین‌داری، خداپرستی، عبادت خدا و اخلاق حسنه پیش بروند - شکی نیست - لیکن این موضوع در آثار اسلامی، کم‌تر از موضوع «عدالت» مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن، وقتی که می‌فرماید ما پیامبران را فرستادیم، متعاقبش می‌گوید: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» هدف، قسط است. قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن پیامبر، مبدأ کار است. خدا قضیه را این‌گونه شروع کرده است: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، ولی متنها هم این‌گونه است که خدا، امام زمان 7 را می‌فرستد تا «يملأ الله الارض به قسطاً و عدلاً، بعد ما [تبدیل به کما] ملأه ظملاً و جوراً». بنابراین، متنها هم قسط و عدل است. البتّه رونق و شکوفایی اقتصادی و مسائلی از این قبیل، همه‌اش چیزهای خوبی است و کسی مخالف این‌ها نیست، اما به شرطی که آن هدف اصلی در میان این‌ها گم نشود (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۱).

۲. ایشان در جایی دیگر عدالت را برجسته‌ترین شعار مهدویت دانسته و می‌فرمایند: برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت؛ مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمة، این المنتظر لاقامة الأمت و العوج، این المرتجى لأزالة الجور و العدوان» (سید بن طاووس، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۰۸)؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستم‌گران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود 7 از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین، وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آن‌ها این است که: «الذی یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که در باره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین، انتظار منتظران مهدی موعود 7 در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

۳. مقام معظم رهبری دوران قبل از ظهور را دوران تلاش برای تحقق عدالت می‌داند و مسلمانان به بهانه این که عدالت الهی به صورت مطلق در دوران آن حضرت محقق می‌شود، نمی‌توانند شانه از زیر بار مسؤولیت برای تحقق عدالت خالی کنند. از این رو، بر این باورند که:

قبل از دوران مهدی موعود، دوران آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «و الله لتمحّصن» و «و الله لتغربلن» است؛ به شدت امتحان می‌شوید، فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود 7 در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند، در کوره‌های آزمایش وارد

می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداه) روزه‌روز نزدیک‌تر می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).
هم‌چنین می‌گویند:

اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه‌طور می‌تواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت می‌کند که مظهر آن، وجود مقدّس مهدی (علیه الصلّٰة والسّلام و عجل الله تعالی فرجه الشّریف) باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پُر می‌کند و ظلم را ریشه‌کن می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

ایشان با اعتقاد به این‌که: «وعدده الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت، اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۸)، تأکید می‌کنند که: «اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها و عمل‌ها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

ضرورت جامعه‌سازی پیش از ظهور

قرآن کریم مسلمانان را به جامعه‌سازی در همه عصرها مکلف ساخته است؛ چنان‌که خدای متعال در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». همه دستورات آیه که عبارت است از «اصبروا»، «صابروا»، «رابطوا» و «اتقوا» مطلق و بدون قید است و افزون بر صبر و تلاش فردی، شامل صبر اجتماعی بر سختی‌های طاعت و ترک معصیت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۱). مصابره و صبر اجتماعی به معنای آن است که مسلمانان با اعتماد به یک‌دیگر مقاومت را در خود تقویت کرده تا با قوت بیش‌تری سختی‌های مقابله با دشمن را تحمل کنند. لکن رابطه اعم از مصابره و به معنای ایجاد جامعه‌ای است که

میان قوا و فعالیت‌های آن در همه شؤون زندگی دینی؛ اعم از سختی‌ها و آسانی‌ها ارتباط برقرار بوده و به این وسیله سعادت حقیقی دنیا و آخرت آن جامعه و افرادش فراهم می‌شود. حال آن‌که اگر رابطه نباشد، صبر و مصابره، برخی از سعادت انسان را تأمین می‌کند و تأمین برخی از سعادت، سعادت حقیقی نیست. از این‌رو، خداوند به دنبال اوامر «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» به تقوا نیز امر کرده و فرموده است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» که معنای آن دست‌یابی به سعادت و فلاح حقیقی است (همان، ص ۹۲-۹۱). از این‌رو، می‌توان گفت که اطلاق اوامر این آیه، بیان‌گر آن است که امت اسلام در هر زمانی مکلف به ایجاد جامعه‌ای اسلامی است که بر انجام مأموریت صبر و مصابره، مأموریت تحقق رابطه و تجمیع قوا برای دفاع از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی در برابر دشمنان اسلام به خوبی توانا باشد. این برداشت تأیید می‌شود به این‌که امام صادق ۷ ذیل آیه یادشده «اصبروا» را به صبر بر انجام واجبات و «صابروا» را به صبر در برابر مشکلات و «رابطوا» را به ارتباط با امامان معنا کرده است. «اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الأئمة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۱). تفسیر «رابطوا» به لزوم ارتباط با امامان، برای آن است که تجمیع قوای امت، رهبری و هدایت همه‌جانبه آنان، با محوریت امام شکل می‌گیرد و این به معنای آن است که تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور امام زمان بر امت اسلام واجب است. یادآور می‌شود که مراد از «الأئمة» امامان معصوم نیست؛ زیرا چنان‌که کلمه «رابطوا» اطلاق دارد، «رابطوا علی الأئمة» نیز که در تفسیر آن بیان شده است، مطلق است و بر لزوم پیروی از حاکم مشروع اسلامی در هر زمانی دلالت دارد.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای با ابتدای بر همین باور، در باره دوران پیش و پس از ظهور می‌فرمایند:

در این دوران، (دوران ظهور) احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد و این بدین معناست که تا قبل از دوران حضرت مهدی (علیه الصلاة والسلام) اسلام به صورت کامل و جامع در سطح جهان پیاده نشده است. نه این‌که در سطح دل یک انسان یا زندگی یک جامعه، در ابعاد متعدّد

هم اسلام پیاده نشده، بلکه بدین معنا که مقصود و هدف اصلی پیغمبر اسلام و همه نبوت‌ها که بازسازی عالم، بازسازی انسان، رفع ظلم و رفع کفر و مقابله با نفاق و غلبه جنود رحمان بر جنود شیطان است، جز در زمان آن حکومت تحقق پیدا نخواهد کرد... (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۳۰۴).

از این رو، مقام معظم رهبری در باره معنای صحیح انتظار می‌گویند: «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان ۷ آماده کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰). بر این اساس، ایشان انقلاب اسلامی را حرکتی در جهت آمادگی برای ظهور دانسته و با استناد به آیه ۳۳ سوره توبه هدف نهایی انقلاب را حاکمیت‌بخشیدن به دین خدا و متلاشی‌ساختن قدرت شیطانی طاغوت می‌دانند و می‌گویند:

در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود، بلکه پیمودن و سنگر به سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت در می‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت‌بخشیدن به دین خدا و متلاشی‌ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

از این رو، ایشان بر این باورند که امروز جامعه اسلامی در راستای هدف نهایی، باید از جامعه مهدوی الگو بگیرد، می‌گویند: «باید چیزی شبیه‌سازی آن روز برای خودتان به وجود بیاورید تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آن چنان دنیایی قرار بگیرید (همان).

نمی‌توان آیه یادشده را تنها بر غلبه منطقی حمل کرد؛ زیرا هر چند دین اسلام از نظر منطقی و حجت بر همه ادیان و مکاتب غالب است، ولی آیه یادشده به غلبه عینی و خارجی نیز نظر دارد و از نظر روایات (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۴) و مفسران (شیخ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۹، ص ۱۹۲ و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۳، ص ۴۵) تحقق عینی و کامل این آیه در حکومت حضرت مهدی خواهد بود.

تفاوت حکومت اسلامی پیش و پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

روشن گردید چنان‌که دین اسلام لطف الهی و امری فطری است و بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، امور فطری مربوط به جنس بشر بوده و تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۷۸)، امامت نیز لطف الهی است و حکومت اسلامی با رهبری حاکم مشروع (که امروز در قالب اصل مترقی ولایت فقیه شکل گرفته است)، تعطیل‌بردار نیست. با این همه، حکومت اسلامی به رهبری حاکم مشروع با رهبری حضرت مهدی ۷ از جهت قلمرو جغرافیایی، سلطه بر ادیان و شکل‌گیری جامعه جهانی توحیدی متفاوت است.

سلطه بر کره زمین

از ویژگی‌های حکومت اسلامی در ظهور حضرت مهدی ۷ این است که از نظر جغرافیایی بر همه کره زمین سیطره می‌یابد. بسیاری از آیات قرآن و روایات بر این توسعه جغرافیایی در آن حضرت دلالت دارد. به عنوان نمونه خداوند در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء صالحان را وارث کل زمین دانسته است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور از پی آن ذکر چنین نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به میراث می‌برند. در روایات این آیه بر حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تطبیق شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۴۰). مفسران نیز این آیه را بر حکومت حضرت مهدی ۷ و یاران آن حضرت تطبیق داده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۱۰۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۹، ص ۳۷۹ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۴۸۰). علامه طباطبایی که بر اساس این آیه قائل است صالحان وارث زمین در دنیا و آخرت‌اند، بر این باور است که وراثت آنان بر کل زمین در دنیا بر اساس روایات متواتر در پرتو حکومت حضرت مهدی شکل خواهد گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۳۱-۳۳۰). فرقی نمی‌کند که مراد از ذکر، همه کتب آسمانی نازل‌شده بر انبیا، یا خصوص هر یک از تورات و قرآن باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۱۰۶-۱۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۳۰-۳۲۹ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۱۹۲). در آیه ۵۵ سوره نور: «وَعَدَ

اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» و قصص آیه ۵: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، همین مضمون تکرار شده است. کلمه «الارض» در آیات یادشده که به صورت مطلق آمده است و الف و لام استغراق نیز دارد، بیان‌گر آن است که کل زمین در قلمرو حکومت حضرت مهدی 7 قرار می‌گیرد. امیر المؤمنین علی 7 از قول پیامبر 9 نقل می‌کند که رسول خدا 9 فرموده است:

«الأئمة من بعدی اثنا عشر أولهم أنت يا علي و آخرهم القائم الذي يفتح الله تبارك و تعالی ذكره علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۵؛ همو، بی تا، ص ۱ و شوشتری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۴)؛ امامان پس از من دوازده نفرند؛ اولی آنها تو هستی یا علی و آخر ایشان قائمی که خداوند به وسیله او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. در روایتی، آن حضرت پس از بیان این‌که دنیا پس از روگردانی و چموشی، مانند شتری که از دادن شیر به بچه‌اش خودداری می‌کند، به ما روی خواهد آورد «و أذی فلق الحبة و برأ التسممة لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها»، آیه ۵ سوره قصص را تلاوت کرده (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۳۷۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۰) و پس از تطبیق آن بر اهل بیت پیامبر 9 (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۵)، می‌فرماید: حضرت مهدی 7 آنان را عزیز و دشمنان‌شان را ذلیل خواهد کرد: «هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جهدهم، فيعزهم و يذل أعداءهم» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۳۲ و حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۱۰).

آیه‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌گویند:

همه فرقه‌های اسلامی - چه شیعه و چه سنی - متفقند که در پایان دوره جهان، دوره‌ای وجود خواهد داشت که در آن، یک حکومت الهی کامل و جامع با سیطره بر شرق و غرب عالم، به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱/۲۱).

ایشان مهدویت را امری بین المللی و جهانی و مربوط به همه انسان‌ها دانسته و می‌گویند: «اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

سلطه بر همه ادیان

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که دین اسلام در حکومت حضرت مهدی 7 بر تمام ادیان از جهت علمی و از حیث سلطه اجرایی بر تمام کره زمین مسلط می‌شود. چنان‌که در آیه ۳۳ سوره توبه از فراگیری دین اسلام و پیروزی آن بر همه ادیان در جهان، به رغم میل مشرکان خبر می‌دهد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». روشن است که این وعده حتمی خداوند؛ یعنی پیروزی بر تمام ادیان، تا کنون در خارج محقق نشده است و بر اساس روایات اهل البیت : این وعده حق الهی با ظهور حضرت مهدی 7 محقق خواهد شد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۸ و بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۵). شهید مطهری ذیل آیه یادشده بر این باور است که دین مقدس اسلام، دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر در مقابل این دین از بین خواهند رفت و تحت الشعاع قرار خواهند گرفت (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۱۶۹).

شکل‌گیری جامعه جهانی توحیدی

یکی از امتیازات حکومت اسلامی در عصر ظهور حضرت مهدی 7 شکل‌گیری عالی‌ترین و کامل‌ترین جامعه توحیدی است. چنان‌که خدای متعال در آیه ۵۵ سوره نور از شکل‌گیری عالی‌ترین جامعه توحیدی خبر داده و به مؤمنان و صالحان وعده می‌دهد که به زودی برای آنان جامعه‌ای که از هر جهت صالح و از کفر، نفاق و فسق، پاک و خالص باشد، تشکیل می‌شود؛ جامعه‌ای که افزون بر حاکمیت بر زمین، در عقاید و اعمال افراد و جامعه جز دین حق و ارزش‌های الهی، چیزی حاکمیت ندارد. آنان در امنیت کامل، بدون ترس از دشمن داخلی یا خارجی و آزاد از نیرنگ نیرنگ‌بازان، ظلم

ظالمان و زورگویی زورگویان به عبودیت خدا می‌پردازند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ
 عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
 الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ
 بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و چنین جامعه طیب و طاهری با آن ویژگی‌ها و صفات
 فضیلت و قداست از زمان بعثت پیامبر 9 تا کنون محقق نشده است و بر اساس
 روایات متواتری که از پیامبر 9 و ائمه اهل بیت : در باره حضرت مهدی 7 وارد
 شده تحقق محتوا و مفاد این آیه به صورت کامل، تنها در زمان ظهور آن حضرت
 خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۵۶). صاحب مجمع نیز می‌گوید:

منظور آیه تحقق تمکن و قدرت جهانی پیامبر 9 و اهل بیت آن حضرت است
 (فراهم‌شدن زمینه برای حاکمیت مطلق معارف حق آنان) که در ظهور حضرت
 مهدی تجلی می‌یابد و بر این مطلب امامان اهل بیت : اجماع دارند و اجماع
 آنان بر اساس حدیث ثقلین حجت است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۲۳۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که امور فطری مربوط به جنس بشر بوده و فراتر از مرز جغرافیایی و
 زمانی است و این‌که امامت و رهبری جامعه لطف جاری و تعطیل‌ناپذیر الهی است و
 وظیفه امام تبیین و ترویج احکام شرعی، اقامه حدود الهی، پاسداری و صیانت از دین
 اسلام و هدایت مردم است، تشکیل حکومت اسلامی نیز ریشه فطری داشته و امری
 مستمر و تعطیل‌ناپذیر است و باید هم‌چنان تا ظهور حضرت مهدی 7 جریان داشته
 باشد. افزون بر آن، اقامه قسط و عدل که در اندیشه قرآنی از اهداف انبیای الهی دانسته
 شده و روح توحید بدون آن معنایی ندارد و مانند تشکیل حکومت، وظیفه همیشگی و
 تعطیل‌ناپذیر جامعه اسلامی است، تنها در ساختار حکومت اسلامی امکان‌پذیر است.
 هم‌چنین قرآن کریم مسلمانان را به جامعه‌سازی در همه عصرها مکلف ساخته و آنان
 در هر زمانی موظف به ایجاد جامعه اسلامی هستند که بر انجام مأموریت مرابطه و
 تجمیع قوا برای دفاع از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی در برابر دشمنان اسلام به خوبی

توانا باشد تا به این وسیله سعادت حقیقی دنیا و آخرت آن جامعه و افرادش فراهم شود. بدیهی است تجمیع قوای امت، با هدایت همه‌جانبه و با محوریت امام شکل می‌گیرد و این به معنای آن است که تشکیل حکومت اسلامی، پیش از ظهور امام زمان، بر امت اسلام واجب است. البته روشن گردید که حکومت اسلامی به رهبری حاکم مشروع اسلامی، با رهبری حضرت مهدی 7 از چند جهت متفاوت است: یکی آن‌که حکومت اسلامی در ظهور حضرت مهدی 7 از نظر جغرافیایی بر همه کره زمین سیطره می‌یابد و صالحان وارث کل زمین می‌شوند. دیگر آن‌که وعده حتمی خداوند مبنی بر پیروزی دین اسلام بر تمام ادیان که تا کنون در خارج محقق نشده است، از جهت علمی و از حیث سلطه اجرایی با ظهور حضرت مهدی 7 محقق خواهد شد و عالی‌ترین و کامل‌ترین جامعه توحیدی که از هر جهت صالح و از کفر، نفاق و فسق، پاک و خالص باشد، شکل می‌گیرد. بر این اساس، وعده الهی و آرمان متعالی مهدویت با برداشت صحیح از انتظار و دمیدن روح امید و پویایی در امت اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، با حرکتی تدریجی و تکاملی تحقق می‌یابد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا 7، ج ۱، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۲، بی‌تا.
۵. ابن عطیه، جمیل حمود، ابھی المداد فی شرح مؤتمر علماء بغداد، ج ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۳ق.
۶. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، ج ۴، قم: دار العرفان، ۱۳۹۳.
۷. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳، قم: مؤسسه النصر، ۱۳۶۲.
۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲ و ۵، قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
۹. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.

۱۰. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، آفتاب در مصاف، علل و ابعاد حادثه عاشورا «برگرفته از بیانات حضرت آیه‌الله خامنه‌ای»، تهران: مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، ولایت و حکومت، «بیانات مقام معظم رهبری درباره ولایت و حکومت»، تهران: مؤسسه جهادی مرکز صهبا، ۱۳۹۱.
۱۳. سید بن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۴. سیدرضی، مرتضی، الشافی فی الإمامة، ج ۱، تهران: مؤسسه الصادق ۷، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۱۵. شهید مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۱۶. شوشتری، قاضی نور الله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۲۹، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، ج ۱، قم: انتشارات المحبین، ۱۳۸۲.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۱۳ و ۱۹، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۵ق.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۵، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، قم: مکتبه النشر الإسلامی، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷ و ۹، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۳، ۱۳۷۲ق.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، النجف الاشراف: دارالنعمان، ۱۳۸۶.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، الباب الحادی عشر، تهران: مطالعات اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۲، بیروت: إحياء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۲۰ق.

۲۶. فضل الله، سيد محمد حسين، تفسير من وحى القرآن، ج ۱۸ و ۱۹، بيروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۲، ۱۴۱۹ق.
۲۷. فيض كاشاني، محمد محسن بن شاه مرتضى، تفسير الصافي، ج ۴، تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۸. قمي مشهدي، محمد بن محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ۸ و ۱۰، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.
۲۹. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مكارم شيرازي، ناصر، حكومت جهاني مهدي 7، قم: نسل جوان، ج ۵، ۱۳۸۶.
۳۱. نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.